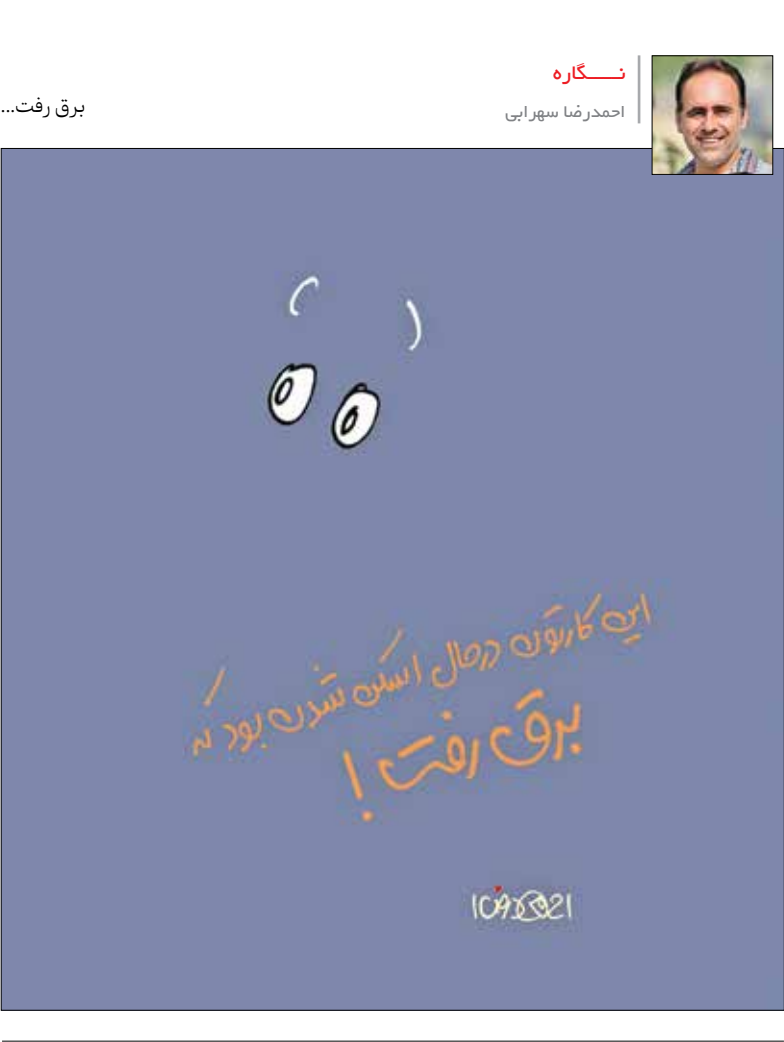


تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰ نمابر: ۰۸۷۶۱۲۴۵۱ ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵۰ پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳۰۴۵۱ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۴۸۸۹۲۰-۸۸۵۴۸۸۹۲۰ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۳/۰۲ اذان مغرب ۲۰/۳۵ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ اذان صبح فردا ۴/۰۶ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰	

امام‌رضا(ع): <p>از ما نیست آنکه دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید.</p> <p>بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶</p>	سنگ روز
--	----------------



پزشکيان

ديروز مسعود پزشکيان نماينده مجلس در صحن علنی نطق کرد و حرف‌هایی زد که بازتاب زیادی داشت؛ از مجلس تا فضای مجازی. پزشکيان خواستار اعلام دلايل رد صلاحيتش از سوی شورای نگهبان شد و کاربران زیادی حرف‌های او را بازنشر کردند. بخصوص اين جملـه را: «ایران مال همه است. برای یک جناح، یک دسته و یک گروه خاص نیست.»

پروانه مافی نماينده تهران در مجلس دهم در تویيتر نوشت: «نطق امروز آقای پزشکيان در مجلس حاوی نکات و هشدارهای مهمی بود، برای آنهایی که دغدغه واقعی کشور و مردم را دارند. کاش گوش شنوایی پیدا شود...» پاسخ نمايندگان مجلس به حرف‌های پزشکيان هم مورد توجه کاربران زیادی قرار گرفت: «اين نطق انتقادی و نه چندان تند و تيز پزشکيان، باعث شد مجلس وقت امروزش را صرف مخالفت و پاسخگوئی به او کند و البته فرصت دفاع به او را ندهند.» «نطق غرای پزشکيان زلزله انداخته تو مجلس؛ تا الان ۵ تا نماينده که تريبون داشتند و بايد درباره موضوعات ديگری حرف می‌زدند، کار ورها کردند و دارن به نطق پزشکيان جواب میدن»، «بهترین و دردمندانه‌ترین جای سخنرانی پیش از دستور مسعود پزشکيان درباره انتخابات و رد صلاحيت‌ها در مجلس: ایران مال همه است. برای یک جناح،

توقف سريال پر طرفدار

سريال «می‌خواهم زنده بمانم» قرار بود مطابق هر هفته دوشنبه صبح از طریق پلتفرم فیلیمو بخش سريال یکشنبه شب با حسینی کارگردان اين سريال یکشنبه شب با انتشار یک استوری خبر از توقیف سريال و پخش نشدن آن در این هفته داد. البته با توجه به نامه معاون اجتماعی ناجا اين احتمال از يکی، دو روز قبل مطرح بود چون در اين نامه آمده بود: «سريال «می‌خواهم زنده بمانم» بدون توجه به تاريخ درخشان سازمان‌های انتظامی قبل از ادغام (کميته انقلاب اسلامي و شهريانی جمهوری اسلامي ايران) عملکرد آنان را به «سخره کشيده است».

ناجا براساس همين انتقاد خواستار توقف پخش سريال شده بود.

پس از انتشار خبر توقیف کاربران زیادی برای بازیگران و کارگردان «می‌خواهم زنده بمانم» در اينستاگرام کامنت گذاشتند و از توقف پخش سريال ابراز ناراحتی کردند: «توقیف شد! به‌همين راحتی!»، «سريال می‌خواهم زنده بمانم با اعتراض ناجا متوقف شد. احتمالاً دليل اعتراض ناجا شخصيت حاجي بخشی است که یک مأمور فاسد است که با یک وکیل کارچاق کن دست به يکی کرده است.»

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفيعی
سرديير: جواد دليری



ابوالفضل جلیلی: خوشحالم که مردم کشور خودم فیلم را می‌بینند

مسلمان گرفتن مجوز اکران برای من هرگز آن جذابیتی را ندارد که برای یک کارگردان تازه کار دارد، ولی از این جهت خوشحالم که مردم کشور خودم فیلم را می‌بینند چون مردم بسیاری از کشورها فیلم هالیم را دیده‌اند، ولی مردم کشور خودم نه. این مجوز برای نسل جوانی که بسیار زود رنج هستند و می‌خواهند خیلی زود به قله برسند، نوعی درس است که سختی‌ها را تحمل کنید چون بالاخره به مقصود می‌رسید. سال‌ها پیش در یک برنامه زنده رادیویی که آقای شمقدری هم آن سوی خطش بود، از ایشان پرسیدم به خاطر بازی‌های سیاسی فیلم مرا توقیف کردید یا به دلیل دفاع از فرهنگ و تفکر اسلامی؟ اگر به خاطر سیاسی بازی است، باید خسارت‌های روحی و روانی واجتماعی را که بر من و خانواده‌ام وارد شد، جبران کنید ولی اگر به دلیل دوم است، از این بول می‌گذرم چون خودم هم مسلمانم.

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس با ایسنا

تبلیغات متفاوت انتخاباتی

و باعث می‌شود کمی به اصطلاح تخصصی شود. چون از سویی مردم تجربه‌هایی در این زمینه دارند که می‌گوید هر تبلیغی مؤثر نیست و از طرفی خود نامزدها محدودیت‌هایی دارند و زبان و کلام و نوع تبلیغ آنها محدود شده و چون زمان محدود است افراد مجبورند به اصطلاح تخصصی‌تر صحبت کنند. نه اینکه الزاماً برنامه ارائه دهند که اغلب این انتظار مردم است اما این محدود شدن افراد را شبیه به هم کرده و تنوع تبلیغات را هم محدود کرده است. می‌توانیم بگوییم که تبلیغات به شکل فرمالیستی و شکلی و محتوایی محدود و یکدست شده و البته این مسأله ممکن است بر اثر گذاری تبلیغات هم اثر منفی بگذارد چون براساس علم ارتباطات تبلیغ یک امر ارتباطی است و باید شرایط ارتباط را داشته باشد و ما وقتی شرایط برقراری ارتباط اجتماعی را محدود می‌کنیم اثرگذاری آن هم محدود می‌شود.

اکنون نامزدهای انتخاباتی تلاش می‌کنند از امکانات فضای مجازی و بستر نسبتاً آزادانه آن استفاده کنند اما باید این مسأله را در نظر بگیریم که فضای مجازی همچنان در دسترس همه نیست هرچند که تبلیغات در این فضا می‌تواند به جریان فعالیت‌های تبلیغاتی بیرون از فضای مجازی کمک کند.

در مجموع باید گفت تبلیغات این دوره به دلایل و عوامل گوناگون از دوره‌های دیگر محدودتر است و این مهمترین ویژگی و تفاوت این دوره با دوره‌های دیگر از نظر تبلیغاتی است؛ ویژگی‌ای که به نظر می‌رسد باعث می‌شود تا تأثیر تبلیغات هم محدودتر شود.

روایتی بزرگ از همسایگی دو فرهنگ

آخرین کتابی که به تازگی مطالعه کردم، کتاب «الآغانی» نوشته ابوالفرح اصفهانی و ترجمه محمد حسین مشایخ فریدنی است که انتشارات علمی و فرهنگی آن را منتشر کرده است. این کتاب درواقع شامل برگزیده آوازاها و دانشنامه شعر و ادب و قصه‌ها و اساطیر و موسیقی عرب در عصر جاهلی و اموی و صدر دولت عباسی تا آخر قرن سوم هجری است و در آن هر آواز یا شرح حال شاعر و خواننده و نوازنده و آهنگساز و البته تفصیل لحن آن ثبت شده و از سویی وزن عروضی و مشکلات لغوی و مناسبات تاریخی و نوادر و حکایات مربوط به آن در ذیل هر آواز آورده شده است. این کتاب از این جهت اهمیت دارد که می‌توان آن را سند اصالت موسیقی ایرانی در فرهنگ عربی دانست و در کنار این مهم، باید آن را بزرگ‌ترین و مشروح‌ترین مجموعه ادبی و بیانگر اوضاع اجتماعی و فرهنگی و زندگی درباری و شهری و صحرایی و وضع لباس و خوراک و خلیقات و آداب و عادات عرب به حساب آورد. نثر کتاب روان و فصیح است و از منابع موثق و مهم متون کلاسیک عربی محسوب می‌شود که به این دلیل به علاقه‌مندان این حوزه پیشنهاد شده است.

بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که این کتاب علاوه بر تمام محسناتی که گفته شد، خزانه افکار و لغات و مضامین و امثال و حکم و اشعار عربی رایج در فارسی نیز هست و افسانه‌های عشقی مانند لیلی و مجنون و اسامی عرایس الشعر مثل

سعدی و سلمی و ثریا و... و اسامی منازل عرب در ادبیات فارسی غالباً از افغاننی گرفته شده است. «الآغانی» راوی دوران تغزل و ترانه در چهار قرن اول هجری و اوج تمدن یکپارچه اسلامی است و عمده خرداهایی که در این کتاب آورده شده، در بلاد اسلامی اتفاق می‌افتد و نویسنده ناگزیر و البته خوشبختانه به تاریخ اجتماعی و مردم‌شناسی آن دوران نیز توجه نشان داده است. فارغ از حجم بسیار اشعار و شاعران کلاسیکی که در این کتاب معرفی شده‌اند، روایت‌های بسیاری از دیگر هنرها و اتفاقات و شرایط اجتماعی آن دوران نیز مطرح می‌شود که در کمتر اثر دیگری سابقه دارد. بسیاری از آهنگسازان و نوازندگان چهار قرن نخست، آن‌طور که در کتاب «الآغانی» آمده ایرانی هستند و فرایند هجرت هنر بویژه موسیقی و تغزل به ایران و تضمین شاعران و هنرمندان ایرانی از شاعران و هنرمندان عرب بخوبی در این کتاب منعکس شده و از این حیث نیز می‌توان به همسایگی این دو ادبیات و هنر فاخر رسید و اینکه چگونه بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند.

عکس نوشت

برفورمس‌نقاب مرگ، قلاب‌زدنگی» به کارگردانی امیرحسین شفيعی درخیابان‌های تهران برگزار شد. آموزش و یادآوری قوانین ومقررات راهنمایی و رانندگی موضوع اصلی این برفورمس بود.



الهی نام تو ما را جواز مهر تو ما را جهاز شناخت تو ما را امان لطف تو ما را عیان

مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری

جایگاه جهانی کتاب‌های کودک‌مان قابل قبول است

حضور اهالی کتاب در رویدادهای بین‌المللی اتفاق مهمی است که به ارتقای صنعت نشر ما می‌انجامد، تازه‌ترین نمونه‌اش کتاب‌های «طوطی» بخش کودک و نوجوان نشر «فاطمی» است که در فهرست ناشران کودک برگزیده نمایشگاه کتاب «بولونیا» قرار گرفته است و برای دریافت جایزه بهترین ناشر کودک سال میلادی جاری

هم به رقابت می‌پردازد.

آقای ضرغام، مدیر نشر فاطمی از ناشران قدیمی و خوب کشور است که سابقه فعالیت وی به سال‌ها پیش بازمی‌گردد، بخش کودک و نوجوان نشر او نیز تحت عنوان «طوطی» در یک دهه گذشته به‌طورجدی کار خود را آغاز کرد که امیدوارم در این جایزه موفق شوند. شرکت نمایندگان نشر کشورمان در جوایز خارجی و نمایشگاه‌های بین‌المللی سبب می‌شود فعالان بخش‌های مختلف نشر، از ناشران گرفته تا نویسندگان و تصویرگران در جریان اتفاقات روز جهانی قرار بگیرند؛ در حوزه کودک ناشران خوبی مشغول فعالیت هستند که سابقه فعالیت برخی از آن‌ها به دهه‌ها قبل بازمی‌گردد، به‌عنوان نمونه، سابقه فعالیت نشر قدیانی به سال ۱۳۵۵ بازمی‌گردد، زمانی که در قالب یک کتابفروشی کار خود را در تهران آغاز کردیم و از سال ۱۳۶۰ هم به‌طور جدی به نشر کودک و نوجوان قدم گذاشتیم.

این‌ها را گفتم تا مردم بدانند به‌رغم برخی مشکلات و کاستی‌ها، در عرصه کتاب‌های کودک و نوجوان، در مقایسه با دیگر کشورها در جایگاه قابل قبولی ایستاده‌ایم و از سویی سابقه نشر کودک و نوجوان ما به سال‌ها قبل بازمی‌گردد. از اوایل دهه ۸۰ که شاهد فارغ‌التحصیلی جوانان بسیاری در رشته‌های مرتبط با تصویرگری و گرافیک بودیم تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان کشورمان با تحول روبه‌رو شد. امروز از میان تصویرگران ایرانی، هنرمندان بسیاری در خلال برپایی این نمایشگاه‌های بین‌المللی و جوایز کودک به معرفی خود فراتر از مرزهای کشورمان شده‌اند و حتی با ناشران خارجی همکاری دارند. با این حال تعداد ناشران حرفه‌ای کودک و نوجوان برخلاف ۳۰۰-۴۰۰ ناشری که در برگزاری نمایشگاه کتاب تهران طی سال‌های گذشته در سالن کودک حاضر می‌شدند، در بخش خصوصی در نهایت ۲۵ ناشر و در بخش دولتی هم حدود ۴ ناشر هستند. این‌ها آثاری با استانداردهای جهانی به مخاطبان عرضه می‌کنند؛ کتاب‌هایی که از نظر محتوایی و گرافیکی در بسیاری موارد قابل رقابت با داشته‌های دیگر کشورها هستند، البته به سبب تحریم‌ها در دسترسی به ملزومات چاپ با قدری مشکل روبه‌رو هستیم که این مسأله سطح کیفی چاپ آثار را تحت تأثیر قرار داده است، هرچند که از نظر محتوایی همچنان شاهد انتشار کارهای خوبی هستیم؛ در کنار همه نقاط قوتی که متوجه بخش حرفه‌ای نشر کودک و نوجوان است، مسئولان باید متوجه برخی ناشرانماها که به اتکای کتاب‌سازی در این عرصه حضور دارند باشند؛ اتفاقی که نه تنها به نشر کودک و نوجوان، بلکه به نشر بزرگسال هم لطمه بسیاری زده است. همین تازگی باخبر شده‌ام که چند کتاب از ترجمه‌های نشر قدیانی را ناشر دیگری کتاب‌سازی و به نام خود منتشر کرده است. متأسفانه این‌ها کتاب‌های دزدی را به انواع ترغندها، از جمله قریب دادن مخاطبان با تخفیف‌های آتچانی به فروش می‌رسانند. قیمت پشت جلد یکی از این کتاب‌ها را مؤسسه ما ۴۰ هزار تومان در نظر گرفته، اما ناشر مذکور بیش از یک‌صد هزار تومان زده است و بعد هم آن را با تخفیف ۵۰-۶۰ درصدی به فروش می‌رساند و مردم هم نمی‌دانند ماجرا از چه قرار است. امیدوارم مسئولان زودتر چاره‌ای برای حل این مشکل ببینندش تا این بخش مهم نشر که به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته، لطمه نبیند.

